

رابطه بین ذهنی سازی با اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی در دختران نوجوان

فریبا کریمی^۱، کیومرث فرحبخش^۲، حسین سلیمی بجستانی^۳، عبدالله معتمدی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین نظریه ذهن (Theory of mind) با سبک‌های دلبستگی (Attachment styles) اضطرابی و اجتنابی در نوجوانان دختر صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: این پژوهش بر اساس روش توصیفی-همبستگی بود. دویست و هشتاد نفر از نوجوانان ۱۲-۱۳ سال و ۱۴ تا ۱۷ ساله به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. دو گروه شرکت‌کننده به پرسشنامه‌های ذهن‌خوانی از روی تصاویر چشم‌ها (Reading the Mind in the Eyes Test یا RMET-R) و تجارب روابط نزدیک-ساختارهای رابطه (Experiences in Close Relationships-Relationship Structures یا ECR-RS) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تحلیل شد.

یافته‌ها: بین دقت نظریه ذهن در نوجوانان کم سن تر (۱۲-۱۳ سال) و سبک دلبستگی از نظر اضطراب با مادر، پدر، دوست و اضطراب کل رابطه معنی‌دار وجود داشت ($p < 0/01$). تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که اضطراب با پدر، مادر و دوست به ترتیب ۰/۰۹۶، ۰/۰۰۳ و ۰/۰۰۱ از واریانس نظریه ذهن را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند ($p < 0/01$). رابطه معنی‌دار در گروه نوجوانان بزرگتر مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: به‌منظور درک بهتر رابطه بین دلبستگی نوجوانان و نظریه ذهن ضرورت دارد که عوامل مشترک آن‌ها در نظر گرفته شود و بین انواع مختلف دلبستگی ناایمن به‌خصوص بین اضطراب و اجتناب تمایز قائل در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: اجتناب، اضطراب، ذهنی سازی، سبک دلبستگی

ارجاع: کریمی فریبا، فرحبخش کیومرث، سلیمی بجستانی حسین، معتمدی عبدالله. رابطه بین ذهنی سازی با اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی در دختران نوجوان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۷؛ ۱۶ (۴): ۵۴۸-۵۳۹.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

۱- دانشجوی دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴- دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: farahbakhsh@iaukhsh.ac.ir

نویسنده مسئول: کیومرث فرحبخش

مقدمه

پیش‌نیاز تعامل در محیط‌های اجتماعی، توانایی فهم درست مقاصد، هیجان‌ها و عقاید دیگران است. در حقیقت افراد برای برقراری ارتباط مناسب می‌بایست توانمندی‌هایی در حیطه شناخت اجتماعی داشته باشند. نظریه ذهن (Theory of mind) یکی از جنبه‌های مستقل شناخت اجتماعی است (۱). نظریه ذهن شکلی از فعالیت ذهنی در مورد خود و دیگران یعنی فهم و تفسیر رفتار انسان‌ها در وضعیت‌های ذهنی آگاهانه (مثل نیازها، آرزوها، احساسات، باورها، اهداف، مقاصد و دلایل) است (۲). نظریه ذهن دارای دو مؤلفه است. مؤلفه اجتماعی-ادراکی که توانایی درک حالات ذهنی دیگران با استفاده از نشانه‌های موجود از قبیل چهره و حرکات بدن است. دوم مؤلفه اجتماعی-شناختی است که شامل توانایی استدلال درباره محتوای ذهنی دیگران می‌شود. با این استدلال‌ها می‌توان فعالیت دیگران را پیش‌بینی کرد. مؤلفه اجتماعی ادراکی با آزمون خواندن ذهن از روی تصاویر چشم‌ها و مؤلفه اجتماعی شناختی با داستان‌ها یا سناریوهای شنیداری ارزیابی می‌شود (۳).

افراد از لحاظ توانایی نظریه ذهن به درجات مختلف روی یک پیوستار قرار دارند. یک‌طرف پیوستار نظریه ذهن پیشرفته و طرف دیگر آن نقص در نظریه ذهن قرار دارد. عوامل مختلفی در تحول نظریه ذهن دخالت دارند. گاه شرایط آسیب‌زا موجب بروز نقص در این توانایی فراشناختی پیشرفته می‌شود، درحالی‌که دیگر توانایی‌های شناختی فرد سالم است (۴). نظریه ذهن اساس روابط معنی‌دار است. به عبارت دیگر باعث می‌شود افراد در روابط خود تعامل متقابل را حفظ کنند. همچنین افراد را قادر می‌سازد با یکپارچه‌سازی شناخت خود و شناخت روابط با دیگران، فقدان، آسیب و همچنین احساسات ناراحت‌کننده خود از جمله ناامیدی، خشم، غم، اضطراب، شرم و گناه را مدیریت کند (۵).

این توانایی رابطه تنگاتنگی نیز با سبک دلبستگی دارد. در مورد شکل‌گیری نظریه ذهن Bateman و Fonagy (۶) معتقدند درک روشنگرانه مراقب به همراه بازخورد در مورد آن تجربه به کودکان، الگویی مفید برای آنها فراهم می‌کند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا چگونگی توجه کردن را یاد بگیرند و بدانند چطور آنچه را تجربه کرده‌اند، درک کنند. نکته مهم آن

پیشروی از وابستگی به استقلال و مراقبت از خود در یک تعامل هیجانی سالم و سازگار بین کودکان و مراقبان است. چنین تعاملات سالمی تنها در بستر دلبستگی ایمن ایجاد می‌شود. هنگامی‌که مادران (مراقبان اولیه) از انعکاس حالت ذهنی کودکان ناتوان‌اند کودکان این آموزش را دریافت نمی‌کنند. آن‌ها به الگوسازی مراقب برای توسعه این ظرفیت مهم نیاز دارند. به عبارت دیگر، زمانی که این بازخورد به کودکان به طور کامل از دست‌رفته یا نادرست است کودکان از توسعه کامل نظریه ذهن ناتوان‌اند. بنابراین آن‌ها یاد نمی‌گیرند چطور افکار، احساسات و انگیزه‌های خود و همچنین افکار و احساسات و انگیزه‌های دیگران را درک کنند (۲). پژوهش‌های متعدد تأکید کرده‌اند که سبک دلبستگی ایمن در مقابل آشفتگی‌های عاطفی همانند یک تکیه‌گاه عمل می‌کند. Zimmerman و Beckerstoll (۷) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که والدین تأیید کننده و پاسخ‌دهنده فرزندان متکی به خود تربیت می‌کنند که از احساس ایمنی بهره‌مند هستند. Corinthe (۸) در بررسی خود نشان داد که احساس ایمنی از عوامل مهم در سلامت روانی و پیش‌نیاز رشد عاطفی سالم در دوره نوجوانی است. عدم شکل‌گیری چنین احساسی زمینه‌ساز آسیب‌های روانی بوده و موجب افزایش آسیب‌پذیری نوجوان در مقابل فشارهای زندگی می‌شود.

همان‌طور که در بالا اشاره شد بین دلبستگی و نظریه ذهن رابطه وجود دارد. یعنی تغییرات کیفیت دلبستگی تغییرات فراوانی، مهارت و دقت نظریه ذهن را باعث می‌شود. بر طبق این پیش‌فرض، دلبستگی نظریه ذهن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۹). تحقیقات کنونی به رابطه دلبستگی و نظریه ذهن در کودکان متمرکز شده است و نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن در کل با افزایش نظریه ذهن گسترش یافته است. در مقابل نوجوانی دوره بسیار مهمی برای گسترش و تمایز روابط دلبستگی توسعه و مهارت نظریه ذهن است. از سوی دیگر در مورد رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن در نوجوانی اطلاعات کمی در دست است. در پژوهش Ammaniti و همکاران (۱۰) و Humfress و همکاران (۱۱) استفاده از مقادیر مشابه دلبستگی و مقادیر متفاوت نظریه ذهن در نوجوانان (۱۴-۱۲ سال) نشان داد که دلبستگی ایمن با افزایش نظریه ذهن و دقت آن همراه

مرتبط با دلبستگی را انکار کنند. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت اضطراب با نظریه ذهن بیشتر و ماهرتری وابسته باشد درحالی‌که اجتناب ممکن است با فراوانی و دقت نظریه ذهن کمتری همراه باشد (۱۷).

با توجه به اینکه تحقیقات کنونی بیشتر به رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن در کودکان متمرکز شده است و بیانگر آن است که دلبستگی ایمن با افزایش نظریه ذهن گسترش یافته است. از سوی دیگر در مورد رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن در نوجوانی اطلاعات کمی در دست است. با توجه به اینکه نوجوانی دوره بسیار مهمی برای گسترش و تمایز روابط دلبستگی و توسعه و مهارت نظریه ذهن است و همچنین تاکنون تحقیقی در ایران در این زمینه انجام نگرفته است، تصمیم گرفته شد طی این پژوهش رابطه بین نظریه ذهن و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در دختران نوجوان مورد بررسی قرار گیرد. هدف اولیه پژوهش حاضر ارائه شواهدی درباره اضطراب و اجتناب (سبک دلبستگی) گزارش شده توسط خود نوجوانان در ارتباط با دقت نظریه ذهن آن‌ها و همچنین بررسی و سنجش پیش‌بینی‌های نظری دو مدل ذکر شده در بالا بود. هدف دوم بررسی تفاوت تأثیرات اجتناب و اضطراب در دوره‌ها و زمینه‌های مختلف دلبستگی یعنی اضطراب و اجتناب از مادر، پدر و همسالان بود.

مواد و روش‌ها

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی در سال تحصیلی ۱۳۹۶ بر روی دو گروه از نوجوانان دختر ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۴ تا ۱۷ ساله صورت گرفت. جامعه آماری آن شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره اول و دوم متوسطه شهرستان ایوان بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از بین دبیرستان‌های موجود در شهر یک مدرسه متوسطه اول و یک مدرسه متوسطه دوم انتخاب و سپس از بین کلاس‌ها از هر پایه دو کلاس به روش تصادفی انتخاب شدند. تعداد ۳۰۰ پرسشنامه توزیع گردید. درمجموع پرسشنامه‌های ۲۸۰ نفر از شرکت‌کنندگان (۱۱۲ نفر ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۶۸ نفر ۱۴ تا ۱۷ سال) جمع‌آوری و با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش

بوده است. اگرچه این دو یافته در مورد نوجوانان با کودکان موازی بود نمی‌توان فرض کرد که مکانیسم روان‌شناختی متضمن رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن در کودکی و نوجوانی یکسان است. جدا از این حقیقت که شواهد در این زمینه به نوجوانان کم سن و سال‌تر محدود بوده است، مشکل اصلی این است که تعمیم مشابه مرتبط با رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن بسیار پیچیده‌تر از ساختارهای نظری است (۱۲). در حقیقت درحالی‌که کیفیت دلبستگی در کودکان معمولاً با مقیاس‌های رفتاری سنجیده می‌شود، کیفیت آن در نوجوانان با مصاحبه و حالات ذهنی مرتبط با دلبستگی یا مقیاس شیوه‌های دلبستگی خود گزارش دهی ارزیابی می‌شود. بدیهی است که باوجود ساختار مرتبط، این سه شیوه با یکدیگر متفاوت هستند (۱۳)، (۱۴).

در حال حاضر، اساساً دو چهارچوب نظری ناهمگن اما نه لزوماً ناموافق وجود دارد که اجازه می‌دهد پیش‌بینی‌های نظری مرتبط با رابطه بین دلبستگی نوجوانان و نظریه ذهن از آن‌ها مشتق شود. هر دو مدل منسجم پردازش اطلاعات اجتماعی مرتبط با دلبستگی Cassidy و Dykas (۹) و مدل فعال‌سازی سیستم دلبستگی و پویایی در بزرگسالی Mikulincer و Shaver (۱۵، ۱۶) اجازه پیش‌بینی در مورد تأثیرات هم‌زمان دلبستگی بر نظریه ذهن را می‌دهند. مدل اول اجازه پیش‌بینی چگونگی تفاوت دلبستگی ایمن و نالایمن افراد در روش پردازش معلومات اجتماعی را می‌دهد. به عبارتی، می‌توان انتظار داشت که با توجه به درجه‌ای که مقیاس نظریه ذهن به معلومات دردناک اجتماعی وابسته است، دلبستگی نالایمن به‌طورکلی به فراوانی کمتر، مهارت کمتر و دقت نظریه ذهن کمتری وابسته است (۱۲). مدل دوم یعنی مدل فعال‌سازی و پویایی سیستم دلبستگی به مکانیسم‌های مختلف روان‌شناختی اشاره دارد که از یک‌سو تفاوت‌های فردی مرتبط با دلبستگی ایمن و از سوی دیگر اجتناب و اضطراب مرتبط با دلبستگی را پوشش می‌دهد. در مدل اخیر این فرضیه وجود دارد که افراد مضطرب یک مواظبت دائم و افزایشده (گوش‌به‌زنگ بودن) مرتبط با نشانه‌های دلبستگی و حالت‌های ذهنی (خاطرات، افکار، احساسات و غیره) دارند، درحالی‌که افراد اجتنابی تمایل دارند توجه به نشانه‌های مرتبط با دلبستگی را منحرف و یا دور کنند و حالت‌های ذهنی

همبستگی Peasron و رگرسیون گام به گام استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل موارد زیر بود.

آزمون ذهن خوانی از روی چشمها (Reading the Mind in the Eyes Test یا RMET-R): ابزاری

استاندارد و پیشرفته برای بررسی نظریه ذهن است که توانایی دقت نظریه ذهن از روی ۳۶ عکس از ناحیه چشم را اندازه می گیرد (۱۸). شرکت کنندگان باید از بین چهار حالت ذهنی پیچیده توصیف کننده (یک گزینه هدف و سه گزینه انحرافی) بهترین گزینه توصیف کننده حالت ذهنی خود را انتخاب کنند. برای نمره گذاری به هر جواب صحیح نمره ۱ تعلق می گیرد و دامنه نمره بین ۰ و ۳۶ قرار دارد. نمره کمتر از ۲۲ نشانگر نظریه ذهن پایین، نمره بین ۲۰ تا ۳۰ نشانگر نظریه ذهن متوسط و نمره بالاتر از ۳۰ نشانگر نظریه ذهن بالاست. در پژوهش فرهادی و همکاران (۱۹) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۳ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه تجارب روابط نزدیک-ساختارهای رابطه (Experiences in Close Relationships – Relationship Structures یا ECR-RS): ابزار خود

گزارش دهی جدیدی است که اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی را در چهار حوزه مختلف وابستگی به مادر، پدر، دوستان و شریک عاطفی ارزیابی می کند. این آزمون شامل ۹ بخش است که در هر چهار حوزه استفاده شده اند (۲۰). در هر حوزه شش سؤال اول برای سنجش بعد اجتنابی و سه سؤال آخر

برای سنجش بعد اضطرابی است. هر حوزه بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره گذاری می شود. هر فرد نمره ای بین ۶ تا ۴۲ در بعد اجتنابی و ۳ تا ۲۱ در بعد اضطرابی کسب می کند. چهار سؤال اول به طور معکوس نمره گذاری می شود. نمرات بالاتر نشان دهنده مقدار بیشتری از دلبستگی نایمن در هر حوزه رابطه است. پوراوری و همکاران (۲۱) ضریب آلفای کرونباخ برای دلبستگی اجتنابی در رابطه با مادر ۰/۸۶، پدر ۰/۸۵، دوست ۰/۸۲ و دلبستگی اضطرابی در رابطه با مادر ۰/۸۰، پدر ۰/۷۶ و دوست ۰/۸۳ به دست آوردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل دلبستگی اجتنابی و اضطرابی را به ترتیب برابر ۰/۸۱ و ۰/۸۲ گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۳ بود.

یافته ها

این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی در سال تحصیلی ۱۳۹۶ بر روی دو گروه از نوجوانان دختر ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۴ تا ۱۷ سال انجام شد. بیشترین فراوانی از نظر سنی مربوط به گروه ۱۳ و ۱۵ ساله (۲۲/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به ۱۷ ساله ها (۱۰/۲ درصد) بود. تحصیلات پدر و مادر شرکت کنندگان بی سواد تا بالاتر از لیسانس بود. بیشترین فراوانی تحصیلات پدر، دیپلم (۲۱/۱ درصد) و مادر، دبستان (۸۵ درصد) بود. کمترین فراوانی تحصیلات پدر، بالاتر از لیسانس (۲ درصد) و مادر، بالاتر از لیسانس (۱ درصد) گزارش شد.

جدول ۱: شاخص های توصیفی نظریه ذهن و دلبستگی (اضطراب و اجتناب) و ابعاد مختلف دلبستگی (پدر، مادر، دوست)

متغیرها	نوجوانان ۱۲ تا ۱۳ ساله		نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله		نمونه کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
اضطراب با مادر	۹/۷۱	۶/۲۲	۷/۴۹	۴/۹۱	۸/۳۸	۵/۵۷۴
اضطراب با پدر	۹/۳۹	۶/۴۰	۷/۵۳	۴/۸۶	۸/۲۸	۵/۵۹۴
اضطراب با دوست	۹/۸۲	۵/۴۱	۸/۵۲	۴/۹۲	۹/۰۴	۵/۱۵۴
اضطراب کل	۲۷/۹۶	۱۵/۹۵	۲۳/۴۸	۱۳/۵۵	۲۵/۲۷	۱۴/۷۰۰
اجتناب از مادر	۱۱/۳۹	۵/۷۵	۱۳/۸۷	۶/۸۴	۱۲/۸۸	۶/۵۳۶
اجتناب از پدر	۱۶/۷۹	۷/۴۹	۱۷/۰۱	۷/۶۲	۱۶/۹۲	۷/۵۶۲
اجتناب از دوست	۱۸/۲۹	۷/۳۸	۲۰/۱۴	۷/۹۹	۱۹/۴۰	۷/۷۹۳
اجتناب کل	۴۶/۶۴	۱۴/۰۷	۵۰/۶۲	۱۶/۰۴	۴۹/۰۳	۱۵/۳۸۴
نظریه ذهن	۱۴/۴۶	۴/۳۰	۱۵/۹۲	۳/۸۸	۱۵/۳۴	۴/۱۱۲

بعد اجتناب (از مادر، پدر، دوست و اجتناب کل) میانگین نمرات نوجوانان بزرگتر بیشتر می‌باشد. میانگین نمرات نظریه ذهن در نوجوانان بزرگتر بیشتر از نوجوانان کم سن تر است.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود میانگین نمرات در نوجوانان کم سن تر در بعد اضطراب (با مادر، پدر، دوست و اضطراب کل) بیشتر از نوجوانان بزرگتر است ولی در

جدول ۲: همبستگی بین نظریه ذهن و دلبستگی (اضطراب و اجتناب) و ابعاد مختلف دلبستگی (پدر، مادر، دوست) در نوجوانان ۱۲ تا ۱۳ ساله

متغیرها	نظریه ذهن	اجتناب از مادر	اجتناب از پدر	اجتناب از دوست	اجتناب کل	اضطراب با مادر	اضطراب با پدر	اضطراب با دوست	اضطراب کل
نظریه ذهن	-								
اجتناب از مادر	۰/۱۱	-							
اجتناب از پدر	-۰/۱۰۸	۰/۷۱۱**	-						
اجتناب از دوست	۰/۱۱۱	-۰/۰۷۱	-۰/۰۰۶	-					
اجتناب کل	۰/۲۷	۰/۷۵۲**	۰/۸۲۱**	۰/۴۹۳**	-				
اضطراب با مادر	۰/۲۸۶**	۰/۲۱۶*	-۰/۰۴۳	-۰/۰۲۰	۰/۰۵۷	-			
اضطراب با پدر	۰/۳۱۰**	۰/۲۲۷*	-۰/۰۰۹	۰/۰۷۲	۰/۱۳۸	۰/۹۶۶**	-		
اضطراب با دوست	۰/۲۸۲**	۰/۱۲۶	-۰/۰۲۹	-۰/۱۸۹	-۰/۰۶۲	۰/۷۶۹**	۰/۸۳۱**	-	
اضطراب کل	۰/۲۹۵**	۰/۲۷۵**	-۰/۰۶۵	-۰/۰۱۶	۰/۱۳۳	۰/۹۲۸**	۰/۹۵۰**	۰/۸۴۷**	-

جدول ۳: همبستگی بین نظریه ذهن و دلبستگی (اضطراب و اجتناب) و ابعاد مختلف دلبستگی (پدر، مادر، دوست) در نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله

متغیرها	نظریه ذهن	اجتناب از مادر	اجتناب از پدر	اجتناب از دوست	اجتناب کل	اضطراب با مادر	اضطراب با پدر	اضطراب با دوست	اضطراب کل
نظریه ذهن	-								
اجتناب از مادر	۰/۰۰۲	-							
اجتناب از پدر	-۰/۰۶۱	۰/۷۴۲**	-						
اجتناب از دوست	۰/۰۴۹	۰/۰۴۵	۰/۱۰۲	-					
اجتناب کل	-۰/۰۶۹	۰/۷۷۶**	۰/۸۰۵**	۰/۵۶۸**	-				
اضطراب با مادر	۰/۰۱۲	۰/۳۴۸**	۰/۳۷۲**	۰/۰۹۹	۰/۳۶۷**	-			
اضطراب با پدر	-۰/۰۰۱	۰/۳۲۷**	۰/۳۷۲**	۰/۰۵۹	۰/۳۳۱**	۰/۹۵۲**	-		
اضطراب با دوست	-۰/۰۰۵	۰/۲۵۹**	۰/۳۲۶**	۰/۰۲۰	۰/۲۶۳**	۰/۷۰۴**	۰/۶۹۶**	-	
اضطراب کل	-۰/۰۰۱	۰/۳۴۰**	۰/۳۹۰**	۰/۰۶۱	۰/۳۴۸**	۰/۹۵۴**	۰/۹۵۱**	۰/۸۶۶**	-

معنی‌داری در هیچ‌یک از سبک‌های دلبستگی (اضطراب و اجتناب) و ابعاد آن (پدر، مادر، دوست) با نظریه ذهن مشاهده نشد (جدول ۳). از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده در گام اول، اضطراب با پدر با ضریب رگرسیون ۰/۳۱۰ وارد معادله رگرسیون شد و به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی ۰/۰۹۶ از واریانس نظریه ذهن به‌طور معنی‌دار بود ($p < ۰/۰۰۱$). در گام دوم علاوه بر اضطراب با پدر اضطراب با مادر به معادله افزوده شد و ضریب رگرسیون

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود همبستگی دقت نظریه ذهن در نوجوانان کم سن تر (۱۲-۱۳ سال) با سبک دلبستگی از نظر اضطراب با مادر، دوست و اضطراب کل به میزان ۰/۲۸، ۰/۲۸ و ۰/۲۹ است ($p < ۰/۰۱$). اضطراب با پدر به میزان ۰/۳۱ بوده است ($p < ۰/۰۱$)، اما بین سبک دلبستگی از نظر اجتناب با دقت نظریه ذهن در این گروه رابطه معنی‌دار مشاهده نشد. در نوجوانان بزرگتر (۱۴-۱۷ سال) نیز همبستگی

به ۰/۳۱۴ افزایش داد. اضطراب با مادر به تنهایی ۰/۰۰۳ درصد از واریانس نظریه ذهن را به طور معنی دار تبیین می کند ($p < ۰/۰۱$). علاوه بر این در گام سوم با اضافه شدن اضطراب با دوست ضریب رگرسیون به ۰/۳۱۶ افزایش پیدا کرد و اضطراب با دوست نیز به طور خالص ۰/۰۰۱ از نظریه ذهن را تبیین کرد ($p < ۰/۰۱$). در مجموع سه متغیر اضطراب با پدر، مادر و دوست قادر به پیش بینی ۰/۱۰ از توانایی نظریه ذهن بودند ($p < ۰/۰۱$). همان طور که نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد نسبت F

مشاهده شده معنادار است ($p < ۰/۰۰۱$, $p < ۰/۰۱$). ضرایب معادله بر اساس نمرات خام و استاندارد از لحاظ آماری معنی دار و دارای قدرت پیش بینی کنندگی نظریه ذهن بودند ($p < ۰/۰۰۱$). نتایج برآورد مدل در جدول ضرایب رگرسیون نشان می دهد که ضرایب تأثیر متغیرهای اضطراب با پدر، مادر، دوست که با توجه به آماره t برآورد شده تغییرات مربوط به نظریه ذهن در نوجوانان ۱۲ تا ۱۳ سال را پیش بینی می کند (جدول ۴).

جدول ۴: خلاصه مدل تحلیل رگرسیون برای نظریه ذهن و دلبستگی (اضطراب) و ابعاد مختلف دلبستگی (پدر، مادر، دوست) در نوجوانان ۱۲ تا ۱۳ ساله

گام	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² j	سهم خالص	df	F	p
۱	اضطراب با پدر	۰/۳۱۰	۰/۰۹۶**	۰/۰۸۸	۰/۰۹۶	۱۱۰	۱۱/۶۶۴	۰/۰۰۱
۲	اضطراب با پدر+مادر	۰/۳۱۴	۰/۰۹۹*	۰/۰۸۲	۰/۰۰۳	۱۰۹	۵/۹۵۶	۰/۰۰۴
۳	اضطراب با پدر+مادر+دوست	۰/۳۱۶	۰/۱۰*	۰/۰۷۵	۰/۰۰۱	۱۰۸	۳/۹۸۲	۰/۰۱
متغیر	Tol	Vif	B	SEB	Beta	t	p	
اضطراب با پدر	۰/۴۸	۸/۱۱	۰/۲۰۸	۰/۰۶۱	۰/۳۱۰**	۳/۴۱۵	۰/۰۰۱	
اضطراب با مادر	۰/۶۳	۷/۹۳	۰/۱۹۸	۰/۰۶۳	۰/۲۸۶*	۳/۱۲۸	۰/۰۰۲	
اضطراب با دوست	۰/۹۴	۴/۰۷	۰/۲۲۴	۰/۰۷۳	۰/۲۸۲*	۳/۰۷۸	۰/۰۰۳	

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین عملکرد نوجوانان در تکلیف استاندارد نظریه ذهن با اضطراب و اجتناب آن ها در حوزه های مختلف دلبستگی و همچنین سنجش فرضیه های مبتنی بر مدل های پویایی دلبستگی معاصر بود. نتایج نشان داد که همبستگی بین نظریه ذهن و سبک دلبستگی در نوجوانان کم سن تر (۱۳-۱۲ سال) از نظر اضطراب با پدر، مادر، دوست و اضطراب کل معنی دار است، اما همبستگی بین سبک دلبستگی و نظریه ذهن از نظر اجتناب در این گروه معنی دار نبود. بنا بر نتایج به دست آمده همبستگی بین نظریه ذهن و سبک دلبستگی در نوجوانان بزرگتر (۱۷-۱۴ سال) از نظر اضطراب و اجتناب با پدر، مادر، دوست و اضطراب کل معنی دار نبود. همچنین نتایج نشان داد متغیرهای اضطراب با (پدر، مادر، دوست) تغییرات مربوط به نظریه ذهن در نوجوانان ۱۲ تا ۱۳ سال را پیش بینی می کند. در حقیقت بر اساس مدل Dykas و Cassidy (۹) انتظار می رفت که هر دو الگوی دلبستگی

ناایمن، یعنی اضطراب و اجتناب به طور محسوسی با دقت نظریه ذهن همبسته باشند، اما انتظار نمی رفت بین تأثیرات اضطراب و اجتناب تفاوت وجود داشته باشد. در مقابل، بر اساس مدل Mikulincer و Shaver (۱۶، ۱۷) انتظار می رفت که اضطراب و اجتناب به گونه ای متفاوت با دقت نظریه ذهن همبسته باشند. همان طور که مشاهده می شود این تأثیرات در گروه نوجوانان کم سن تر (۱۳-۱۲ سال) در بعد اضطراب مورد تأیید قرار گرفت ولی در بعد اجتناب تأیید نشد. این نتایج با مدل Mikulincer و Shaver همخوانی دارد. این یافته همسو با پژوهش Humfress و همکاران (۲۰۰۲) بود که در آن استفاده از مقادیر مشابه دلبستگی و مقادیر متفاوت نظریه ذهن در نوجوانان (۱۴-۱۲ سال) نشان داد که دلبستگی ایمن با افزایش نظریه ذهن همراه بوده است.

همچنین با توجه به ادبیات پژوهش و نیز فرض تحقیق انتظار می رفت که تأثیرات اضطراب و اجتناب به طور برجسته در حوزه دلبستگی با مادر (مراقب) آشکار شود و این تأثیرات در گروه نوجوانان کم سن تر قوی تر باشد. با توجه به نتایج تحلیل

اساس مشاهده ویژگی‌های روابط مادر (مراقب) و کودک در موقعیت‌های گوناگون به این نتیجه رسید که پیوندهای مادر و کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری کودک است. به‌طوری‌که کاستی در این زمینه باعث بروز مشکلات ارتباطی و میان فردی می‌گردد (۲۴). بنابراین شاید بتوان رفتار مراقب را به عنوان یک عامل مشترک تأثیرگذار بر روی دلبستگی و نظریه ذهن شرح داد و این‌گونه نتیجه گرفت که این یافته‌ها نمی‌توانند نه بر اساس تأثیرات نظریه ذهن بر روی دلبستگی و نه تأثیرات دلبستگی بر روی نظریه ذهن شرح داده شوند بلکه یک عامل مشترک تأثیرگذار بر روی دلبستگی و نظریه ذهن مورد نیاز است. برای مثال ناهمسانی‌های رفتار مراقب که باعث راهبردهای اضطرابی دلبستگی است می‌تواند یک عامل اثرگذار باشد و می‌توان انتظار داشت که توسعه نظریه ذهن را پیچیده‌تر کند و یا از آن ممانعت به عمل آورد. همچنین به نظر می‌رسد رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن احتمالاً در طول زندگی و مخصوصاً بین نوجوانی و بزرگسالی تغییر کند. احتمالاً با افزایش سن نقش‌های دلبستگی با تغییراتی مواجه می‌شود و ممکن است از پدر و مادر به دوست یا شریک عاطفی منتقل شود.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر به‌منظور درک رابطه بین دلبستگی نوجوانان و نظریه ذهن ضرورت دارد که بین انواع مختلف دلبستگی نایمن به‌خصوص بین اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی تمایز قائل شد. همچنین پیشنهاد می‌شود به‌منظور درک رابطه بین دلبستگی نوجوانان و نظریه ذهن، عوامل مشترک آن‌ها در نظر گرفته شود. از محدودیت‌های این پژوهش عدم بررسی یکی از ابعاد دلبستگی یعنی دلبستگی نسبت به شریک عاطفی بود که به دلیل مسائل فرهنگی و نگرانی از وجود حساسیت در مدارس بررسی نشد.

تقدیر و تشکر

از کارکنان و دانش آموزان مدرسه متوسطه اول ۱۷ شهریور و متوسطه دوم فاطمه زهرا (س) که در این پژوهش همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

رگرسیون، رابطه معنی‌دار بین ابعاد دلبستگی و نظریه ذهن در بعد اضطراب با مادر، پدر و دوست در نوجوانان کم سن تر دیده شد ولی در نوجوانان بزرگتر (۱۷-۱۴ سال) رابطه معنی‌داری بین ابعاد دلبستگی و نظریه ذهن مشاهده نشد. این یافته همسو با تحقیق Hunefeldt و همکاران (۱۲) بود که در آن رابطه معنی‌دار بین دلبستگی و نظریه ذهن در مورد دلبستگی با مادر مشاهده شد؛ رابطه‌ای که در نوجوانان کم سن تر بسیار قوی‌تر از نوجوانان بزرگتر بود.

با توجه به رابطه بین دلبستگی و نظریه ذهن فرض می‌شود تغییرات کیفیت دلبستگی به تغییر نظریه ذهن منجر می‌شود. این رابطه در کودکان مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر این رابطه در نوجوانان کم سن تر در حوزه دلبستگی (آن‌هم در بعد اضطراب نه اجتناب) مشاهده شد اما در نوجوانان بزرگتر رابطه‌ای مشاهده نگردید. شاید بتوان این فرض که تغییرات کیفیت دلبستگی محرک تغییرات نظریه ذهن می‌شود را رد و فرض مخالف یعنی تغییرات کیفیت نظریه ذهن، محرک تغییرات دلبستگی است را تأیید کرد. بر اساس این فرض، می‌توان شرح داد که چرا کمبودهای نظریه ذهن به اضطراب منجر می‌شود. اگر این‌گونه فرض شود که نظریه ذهن درکی از این حقیقت است که رفتار افراد برحسب حالات ذهنی غیرقابل مشاهده تفسیر شود، می‌توان گفت که کمبودهای فردی در توانایی نظریه ذهن با درک ناقص از حالات ذهنی همراه خواهد بود. این درک ناقص (کمبود نظریه ذهن) باید انگیزه‌ای برای غلبه و جبران این نقص و در نتیجه راهبردهای فعال‌کننده (ویژگی دلبستگی اضطرابی هستند) باشد، درحالی‌که نسبتاً بعید است راهبردهای بی‌اثر کننده که ویژگی دلبستگی اجتنابی هستند را سبب شوند (۲۲). این فرض حداقل به‌طور نظری اجازه می‌دهد که احتمالاً مهارت‌های نظریه ذهن تا بزرگسالی بهبود یابد یا حداقل با آموزش و یادگیری قابل افزایش باشد.

طبق ادبیات پژوهش، شکل‌گیری ظرفیت نظریه ذهن مانند دلبستگی در ابتدا بستگی به رابطه مادر (مراقب) و کودک دارد. به‌طوری‌که میزان پاسخ‌دهی والدین نظریه ذهن را در کودکان موجب می‌شود (۲۳)، اما هنگامی که والدین از انعکاس حالت ذهنی کودکان ناتوان باشند کودکان از توسعه کامل ظرفیت نظریه ذهن ناتوان هستند (۲). از طرف دیگر Bowlby بر

References

1. Schimansky J, David N, Rossler W, Haker H. Sense of agency and mentalizing: Dissociation of subdomains of social cognition in patients with schizophrenia. *Psychiatry Research*. 2010; 178(1):39–45.
2. Hoermann S, Zupanick CE, Dombeck M. Attachment theory expanded: Mentalization. 2013; Retrived from <https://www.mentalhelp.net/articles/attachment-theory-expanded-mentalization/>
3. Nettle D, Liddle B. Agreeableness is related to social-cognitive, but not social-perceptual, theory of mind. *European Journal of Personality*. 2008; 22:323–35.
4. Shekofteh S, Rafienia P, Sabahi P. The comparison of theory of mind and facial emotion recognition in psychotic, neurotic and normal individuals. *Advance in Cognitive Science*. 2014; 16(1):28-21. [In Persian].
5. Allen J, Haslam-Hopwood T, Strauss JS. Mentalizing as a compass for treatment. *Bulletin of the Menninger Clinic*. 2003; 67():1–11.
6. Bateman A, Fonagy P. Mentalization based treatment for borderline personality disorder. *World Psychiatry*. 2010; 9(1):11–15.
7. Zimmerman P, Beckerstoll F. Stability of attachment representation during adolescence: The influence of ego identity status. *Journal of Adolescence*. 2002; 25(1):107-24.
8. Paivastegar M. The rate of deliberate self- harming in girls students and relationship with loneliness & Attachment styles. *Quarterly Journal of Psychological Studies*. 2013; 9(3):29-52. [In Persian].
9. Dykas MJ, Cassidy J. Attachment and the processing of social information across the life span: Theory and evidence. *Psychological Bulletin*. 2011; 137(1):19–46.
10. Ammaniti M, Tambelli R, Zavattini GC, Vismara L, Volpi B. Attaccamento e funzione riflessiva in adolescenza. *Psicologia Clinica dello Sviluppo*. 1999; 3(1):155–75.
11. Humfress H, O'Connor TG, Slaughter J, Target M, Fonagy P. General and relationship-specific models of social cognition: explaining the overlap and discrepancies. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. 2002; 43(7):873–883.
12. Hunefeldt TH, Laghi F, Ortu F, Belardinelli MO. The relationship between 'theory of mind' and attachment related anxiety and avoidance in Italian adolescents. *Journal of Adolescence*. 2013; 36(3):613–621.
13. Allen JP. The attachment system in adolescence. In: J Cassidy, PR Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York: Guilford Press; 2008.
14. Crowell JA, Fraley RC, Shaver PR. Measurement of individual differences in adolescent and adult attachment. In: J Cassidy, PR Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York: Guilford Press; 2008.
15. Mikulincer M, Shaver PR. *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press; 2007.
16. Mikulincer M, Shaver PR. Adult attachment and affect regulation. In: J Cassidy, PR Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York: Guilford Press; 2008.
17. Chris Fraley R, Niedenthal PM, Marks M, Brumbaugh C, Vicary A. Adult attachment and the perception of emotional expressions: Probing the hyperactivation strategies underlying anxious attachment. *Journal of Personality*. 2006; 74(4):1163-90.
18. Baron-Cohen S, Wheelwright S, Hill J, Raste Y, Plumb I. The "Reading the mind in the eyes" test revised version: A study with normal adults, and adults with Asperger syndrome or high-functioning autism. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines*. 2001; 42(2):241-51.
19. Farhadi A, Movahedi Y, Azizi A, Ghasemi Kelly F; Karimi Nejad K. The effectiveness of social

- skills training on promoting theory of mind in aggressive adolescents. *Journal of Social Cognition*. 2015; 3(2):55-66. [In Persian].
20. Fraley RC, Waller NG, Brennan KA. An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2000; 78(2):350–65.
 21. Poravari M, Ghanbari S, Zadeh Mohammadi A; Panaghi L. Validity, reliability and factor structure of the experiences of close relationships questionnaire- the relationship structure (ECR-RS). *Journal of Clinical Psychology (Andishe va Raftar)*. 2014; 8(31):47-56. [In Persian].
 22. Miller SA. *Theory of mind: Beyond the preschool years*. New York: Psychology Press; 2012.
 23. Fonagy P, Target M. Attachment and reflective function: Their role in self- organization. *Development and Psychopathology*. 1997; 9(4):679–700.
 24. Schroeder C, Gordon B. *Measuring and treating childhood problems: A guide to clinical psychologists and psychiatrists*. Translated by M Firuz Bakhteh. Tehran: Dange Publishing; 2004. [In Persian].

The Relationship between Mentalization and Attachment Related Anxiety and Avoidance in Teenage Girl

Fariba Karimi¹, Kiomars Farahbakhsh², Hossein Salimi Bijestani³, Abdollah Motamedi⁴

Original Article

Abstract

Aim and Background: The purpose of this study was to investigate the relationship between theory of mind and attachment styles in terms of anxiety and avoidance in adolescent girls.

Methods and Materials: The research method was descriptive correlational. A total of 280 adolescents aged 12-13 and 14-17 years old were randomly selected. Participants responded to two questionnaires on Reading the Mind in the Eyes Test (RMET-R) and the Experiences in Close Relationships-Relationship Structures (ECR-RS). Data were analyzed by Pearson correlation and stepwise regression. SPSS software was used for this purpose.

Findings: In this study, there was a significant relationship between the accuracy of theory of mind in adolescents (12-13 years old) with attachment style in terms of anxiety with mother, father, friend and anxiety ($p < 0.001$). Stepwise regression analysis showed that anxiety with father, mother and friend was 0.96, 0.003, and 0.001. Predicted the variance of theory of mind ($p < 0.001$, $p < 0.01$). No significant relationship was found in the larger adolescent group.

Conclusions: In order to better understand the relationship between adolescent attachment and theory of mind, it is necessary to consider common factors and distinguish between different types of unsecured attachment, especially between anxiety and avoidance.

Keywords: Anxiety, Attachment style Avoidance, Mentalization, Theory of mind.

Citation: Karimi F, Farahbakhsh K, Salimi B, Hossein, Motamedi A. **The Relationship between Mentalization and Attachment Related Anxiety and Avoidance in Teenage Girl.** J Res Behav Sci 2019; 16(4): 539-548.

Received: 2018.08.12

Accepted: 2019.01.01

1- PhD Student, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2- Associate Professor, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3- Associate Professor, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

4- Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Corresponding Author: Kiomars Farahbakhsh, Email: farahbakhsh@iaukhsh.ac.ir